

دکتر سید حسن حسینی ابری

دانشگاه اصفهان

شماره مقاله: ۴۷۶

### خوش نشینان

S. H. Hossaini Abari ph.D

*The University of Esfahan*

### Khosh-neshins

The rural society of Iran in its long history, has always experienced several natural and human problems, such as, agricultural and domesticated animal production, socio-economic protection, and social welfare, both inside and outside the villages. The villagers then has been forced to divide the society into 3 lines as is common in the army:

- 1- The first line: the farmers.
- 2- The second: nonfarmers as the back-somons.
- 3- The staff of the headquarters: the village representitives.

such division of the society along with these three lines has been commonplace for many centuries.

However, the shah's Land-Reform act (1962) in connection with the development of socio-economic changes, in Iran and other countries, resulted in the disintegration of these three

lines of the rural society. The act, despite the clashes with the government staff, came to villages to act as the new protector. As a result of this, rural production decreased, the farms were mostly left uncultivated, the villagers migrated to the cities and the settlements were deserted.

In this paper, the author has made an attempt to reintroduce the traditional rural back-somons and compares them with government staff now in their place.

### خلاصه

جامعه روستایی ایران طی چندین هزار سال مبارزه با عوامل مختلف طبیعی در تأمین نیازهای خود از زمین، همواره راهکارهای مناسبی را جستجو کرده تا طی تقسیم‌کاری نهادینه شده قادر شود با اطمینان به اهداف خویش دست یابد و نیز می‌کرشیده است خدمات مربوط به محیط اقتصادی و فنی خویش را، به طریقی خودجوش نماید. در این مسیر، جامعه خود را به سه بخش: ۱- مقدم، (زارعین) ۲- پشتیبانی، (خدمه یا خوش‌نشینان روستا) و ۳- ستادی، (ارتباط درون با بیرون) تقسیم کرده، قرن‌ها و نسل‌ها، هرچند با پیشرفتی محدود، به زندگی خود ادامه داده است. با شروع اصلاحات ارضی، بخش‌های آغازی و نهایی، در هم ریخت، خدمه روستا تارومار شدند، ارتباط درون و بیرون ده برهم خورد، و در نتیجه آن، زارع بدون پشتیبان مطمئن و ارتباط درست با بیرون، تنها ماند و رکود روزافزون بر نتیجه کار زراعت مستولی شد. دولت‌ها در طی این دوران سعی کردند، مأموران خود را جانشین آن دو بخش نمایند. اما تا بحال که موفق نبودند.

مقاله کوشیده است تا با بررسی کم و کیف زندگی خوش‌نشینان (خدمه پشتیبانان محلی تولید روستایی) مشخصات جانشینان متخصص آنان را نیز بررسی نماید.

### مقدمه

نظام اجتماعی - اقتصادی سنتی ایران در مناطق روستایی، طی چند هزار سال تداوم خویش در مبارزه با عوامل مختلف ناسازگار محیط (طبیعی و انسانی)، تجارب مورد نیاز را

اندوخته و در باره آنها اندیشیده است، که ثمرات مختلفی را در ماندگاری و تکامل فرهنگی آن بدست داده، اما آن ثمرات همواره ناشناخته مانده است.

روستائیان در طی قرن‌ها دریافتند که برای سازندگی جامعه‌ای متناسب در ده، سه نیاز اساسی وجود دارد: ۱- تأمین معاش؛ ۲- پشتیبانی خدماتی؛ ۳- ایجاد ارتباط مطلوب با بیرون از جامعه، لذا جدال با محرومیت‌های محیط را در سه صف تقسیم‌بندی کرده بودند. شامل: صف مقدم، (زارعین) صف پشتیبانی، (خوش‌نشینان یا پشتیبانان تولید) و بخش ستادی، (برگزیدگان هر دو صف) و با این ترتیب طی قرن‌ها و نسل‌ها هر چند به گونه‌ای به نسبت ایستا، به حیات خرد ادامه داده، موفق شده بودند تمدن کشاورزی این منطقه از جهان را به تکامل برسانند.

از نیمه قرن حاضر، لزوم تحول بخشیدن به ساختارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی جوامع سنتی جهان در حال توسعه، به منظور هماهنگی آنان با تحولات جهانی احساس شد، که صرف نظر از ابعاد سیاسی خاص هر کشور، پذیرش آن تحول بویژه، در بخش روستایی کشور ما اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. اما از آنجا که ایجاد دگرگونی در ساختار جامعه‌های چند هزار ساله، همراه با پیچیدگی‌های خاص آن، کاری بس دشوار است<sup>۱</sup> ولی کار تحول در جامعه سنتی روستایی که با اصلاحات ارضی (رژیم گذشته) آغاز شد، با وجود تلاش و سرمایه‌گذاریهای زیاد و روان ساختن سیل متخصصین شهری به مناطق روستایی، به دلایل چندی توفیقی در خور نیافت.

یکی اینکه برای متخصصین، از روستا و روستانشینی شناخت درستی موجود نبود. دیگر اینکه پیوند بین جامعه متخصص و سنتی به آسانی ممکن نبود و نشد. حاصل کار، اولاً ب نیازهای جدید جامعه روستایی به ترتیب اولویت پاسخ داده نشد، ثانیاً، بجای سرمایه‌گذاری در

1- D. C. Korten, *Comunity Organization and Rural Development: A Learning Process Approach*, Public Administration Review, 1980, pp. 480-512.

2-D. Stea, *Cross - Cultural Enviromental Modeling* University of New England, Honover, 1982, p.70-82.

سطوح مقدم، تمرکز در بخشی از جبهه میانی یعنی پشتیبانی خدمات رفاهی، انجام گرفت<sup>۳</sup> و عملاً می‌بینیم پس از ۴۰ سال از اصلاحات ارضی، تنها حدود ۲۰ درصد تولید، کشاورزی ما صنعتی شده و ۸۰ درصد هنوز سنتی باقی مانده است.

نویسنده این مقاله طی مطالعات مختلف میدانی، اسنادی و تجربی خود معتقد است، در شناخت مناطق و سنن اجتماعی، اقتصادی و ویژگیهای تولید روستایی، شناخت و متحول ساختن صفوف سه گانه سنتی مذکور در فوق، شرط اول تحول است. از این روی به شناخت ویژگیهای جامعه پشتیبان تولید سنتی روستایی (خوش‌نشینان) که از نیازهای اصلی تولید است پرداخته، مقایسه‌ای بین آنان با مأموران دولتی که خود را جانشین آنان می‌دانند، به عمل آورده، پیشنهادی برای پیوند بین سنت و علم و تکنولوژی در بخش مورد بحث ارائه دهد. شاید قدمی هرچند محدود در کوتاه کردن زمان تحول روستایی ایران برداشته شود.

### معنا و مفهوم خوش‌نشینی

واژه خوش‌نشین در منابع فارسی، در منابع فارسی قدیم و جدید متفاوت است:

الف - در منابع قدیمی همه جا این واژه به معنای خوش‌نشینی، جا خوش کردن و مشابه آن آمده و خوشی و راحتی را در نشستن بطور عام، بیان می‌کند. اما اطلاق این عنوان به پشتیبانان سنتی تولید روستایی عمری بیش از ۲۰۰ سال ندارد، (فرهنگ آندراج، ۱۲۹۸ هـ.ق) که اسم چندان بامسمائی نیست. فرهنگ آندراج ضمن آنکه عام خوش‌نشستن را از آن اراده می‌کند، خوش‌نشین را بیگانه و اجنبی در میان مردم بومی می‌شمارد<sup>۴</sup>.

قبل از آن در فرهنگهای غیث‌اللغات (۱۲۴۲، هـ.ق<sup>۵</sup>) فرهنگ جهانگیری، (۱۰۳۰ هـ.ق<sup>۶</sup>)

3- L. Peattie, *Realistic Planning and Qualitative Research, Habitate International*. 1983. pp. 227-234.

۴- محمد پادشاه شاد، فرهنگ آندراج، به کوشش محمد دبیرسیاقی، کتابخانه خیام، تهران، ۱۳۵۲.

۵- انجو شیرازی، میرجمال‌الدین، فرهنگ جهانگیری، ویراسته دکتر رحیم عقیقی، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱.

۶- رامپوری، غیث‌الدین محمدین شرف‌الدین، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۵۶.

فارسنامه ابن بلخی و لغت‌نامه فرس اسدی طوسی (۷۳۳ هـ.ق) و دیگران چنین واژه‌ای به معنی مورد نظر ما نیامده است. البته خدمه یا پشتیبانان تولید روستایی، در تمام ادوار تاریخ کشور وجود داشته‌اند.<sup>۷</sup> زیرا تولید روستایی بدون خدمات پشتیبانی، اصولاً یا امکان‌پذیر نیست و یا نتیجه مطلوب را بدست نخواهد داد. آنان تحت عناوین شایگان (کاربی مزد به فرمان پادشاه<sup>۸</sup>) مجرگ (بروزن تگرگ) برهان قاطع<sup>۹</sup>، فرهنگ آندراج و فرهنگ رشیدی، به مفهوم کاربی مزد نام برده شده‌اند.

اصطلاح بیگار و بیگار نیز مترادف اصطلاحات شایگان و مجرگ، که آن هم به معنی کار بی مزد انجام دادن است، در متون قدیم دیده می‌شود.

کشاورز و دهقان و بیگار مرد همه رزم جویند و ننگ و نبرد فردوسی

در دوران صفویه<sup>۱۰</sup> واژه بیگار همراه با شکار (بیگار و شکار) در فرامین مالیاتی زیاد بکار برده شده است.<sup>۱۱</sup> در سنت ده‌نشینی اصفهان بخشی از اعضای این طبقه به نام حیار یعنی کارگر کشاورزی و کسی که زندگی مطمئنی ندارد و حیران و سرگردان زندگی است، نامیده می‌شدند.<sup>۱۲</sup> ولی بقیه جامعه (غیر مالک، غیر زارع) به نام حرفه خاص آنان معروف بودند، مثل نجارها، مقنی‌ها، آهنگرها، لحاف‌دوزها و غیره.

ب - در متون جدید در فرهنگ معین و دهخدا خوش‌نشین کسی دانسته شده است که در ده منزل دارد، اما جزو بنه‌بندی نیست و کشت و زرع نمی‌کند.<sup>۱۳</sup> خانم لمتون هم همان معنای

7- *The Legacy of Persia*, Oxford, Great Britain, 1953, pp. 84-100.

۸- برهان قاطع، فرهنگ، به کوشش محمد معین، تهران، ۱۳۵۷. ۹- تحقیقاتی میدانی.

10- W. Bartold. *An historical Geography of Iran* University N.E.W. Jersey, pp. 159-170-175.

۱۱- اس‌ک لمتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه متوجه امیری، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۷۷، ص ۷۸۶.

۱۲- حسن عمید، فرهنگ ۳ جلدی عمید، چاپ سپهر، تهران، ۱۳۶۳.

۱۳- علی اکبر دهخدا، فرهنگ دهخدا، ذیل لغت خوش‌نشین، یادداشت‌های مؤلف.

یادشده را بکار برده<sup>۱۴</sup> اما چه در منابع قدیم و چه جدید، این طبقه که همواره جزو مظلومان جامعه بوده‌اند کمتر به کم و کیف زندگی و ارزش وجودی آنان اشاره شده است. تنها اندیشمندانی چون کاظم ودیعی<sup>۱۵</sup> و خسرو خسروی<sup>۱۶</sup> مباحثی کوتاه از کتابهای خود را به آنان اختصاص داده‌اند و در مجموع آنان را گروهی بی اعتبار و سربار جامعه روستایی معرفی کرده‌اند. دیگران نیز که بعد از آنان و کم و بیش ملهم از آنان بوده‌اند با تغییراتی که سرگردانی در شناخت این طبقه را افزایش می دهد همان راه متقدمان خود را ادامه داده‌اند<sup>۱۷</sup>. اما هیچیک سهم و نقش آنان را در تمدن و تولید روستایی ایران متذکر نشده‌اند.

نکته مهم؛ از مقایسه بین فرهنگ کهن فارسی و برداشتهای جدید از زندگی و جامعه روستائین ایران چنین برمی آید که هرچه از گذشته به زمان حال پیش آمده‌ایم، در بین محققین ما شتابزدگی در بکارگیری مفاهیم افزایش یافته است، به عنوان مثال: واژه شایگان که به تحفیف شایان ذکر شده است و بعضاً نیز برای جامعه خوش نشین بکار رفته است، به معنی سزاوار، لاین، در خور و هرچیز خوب آورده شده<sup>۱۸</sup> اما همین جامعه در ادب متأخر ما به بیکاره، بدون مسئولیت، آفتاب نشین و ... تعبیر شده‌اند. به هر صورت ارزش وجودی خوش نشین در ده، زمانی به اثبات رسید که پس از اصلاحات ارضی و مهاجرت کوچ گونه آنان به شهرها، رکود شدیدی در امور فنی، اقتصادی و خدماتی بخش روستایی ایران پدید آمد، که به زودی قابل جبران نیست.

نبود یک تعریف منطبق بر واژه

چون واژه خوش نشین برای معرفی خدمه روستایی اصطلاح جدیدی بشمار می رود.

۱۴- اس.ک لمتون، همان منبع، صص ۲۴۹-۲۱۲.

۱۵- عباس سعیدی، جغرافیای روستایی، سمت، ۱۳۷۷ صص ۹۸-۹۷.

۱۶- خسرو خسروی، جامعه دهقانی ایران، انتشارات پیام، بی تا، ص ۸۰.

۱۷- مسعود مهدوی، مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، سمت، تهران، ۱۳۷۷، ص ۵۵ و سعیدی، همان.

۱۸- ر.ک: فرهنگبای معتبر فارسی، ذیل کلمه شایان.

توافق کلی در رابطه با مفهوم آن در متون دیده نمی‌شود. بطوری که هر یک از محققین مربوط به گونه‌ای آن را معرفی کرده‌اند و در نهایت فهرست منسجمی از شاغلین غیرزرعی ده ارایه نشده است. از جمله:

- ۱- جمشید بهنام و شاپور راسخ (جامعه‌شناس) آنان را در یک جا ارایه دهندگان خدمات عمومی ده و فاقد دخالت در آب در زمین و در جای دیگر تنها دارای قسمتی از آب و زمین ده معرفی می‌کنند.<sup>۱۹</sup>
- ۲- گروهی دیگر خوش‌نشینان را در سطح پایین‌تر زارعان صاحب نسق و رعایای دامدار آورده‌اند.<sup>۲۰</sup>
- ۳- دیگری در معرفی آنان تنها به ذکر جمعیت بدون زمین ده اکتفا کرده است.<sup>۲۱</sup>
- ۴- خسرو خسروی آنان را به ۲ دسته: ۱- سوداگران (بورژوازی ده) ۲- کارگران (پرولتاریای ده) تقسیم کرده، بعضی صاحبان مشاغل جدید ده از جمله کارگران کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، صیفی‌کاران و ... را حذف‌اصل بین خوش‌نشینان و دهقانان قرار داده است.<sup>۲۲</sup>
- ۵- دکتر کاظم ودیعی که در نوشته‌های خود بیش از دیگران، آنان را به بحث گرفته است، خوش‌نشینان را طبقه خاصی می‌داند که تعریف آنها از منطقه‌ای به منطقه دیگر احتمالاً تغییر می‌پذیرد و از طریق خدمت به صاحبان نسق و مالکان و دارندگان حق آب و خاک معاش می‌گذرانیده‌اند و متأسفانه آنان را عملاً سربار و زائده جمعیت روستایی دانسته و لقب بیکاره و آفتاب‌نشین را برای آنان درست می‌داند.<sup>۲۳</sup>
- ۶- خانم لمتون آن عده از سکنه روستا را خوش‌نشین می‌داند، که نه مالک‌اند و نه زارع

۱۹- سعیدی، همان، به نقل. ۲۰- مسعود مهدوی، همان.

۲۱- حواد صفی‌نژاد، نظامهای تولید مزارعی جمعی، به، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۵۳، صص ۸۸-۸۳.

۲۲- از مصطفی کیار، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، چاپ اطلاعات، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۲۳.

۲۳- خسرو خسروی، همان منبع.

سهم بر ۲۴.

۷- بررسیهای میدانی نگارنده خوش‌نشین را همان جیار ده می‌داند که در ده نه مالک است و نه مسکنی در ده دارد<sup>۲۵</sup> و بدون پرداخت اجاره در یکی از مساکن خالی ده سکونت دارد و اصولاً به صورت کارگر عمومی (زراعی و غیر زراعی) امرار معاش می‌کند و دیگر کسانی که نه مالک‌اند، نه زارع، گروههای اقتصادی، اجتماعی و فنی ده را تشکیل می‌دهند.

از بررسی تعاریف و دیدگاههای فوق چنین بر می‌آید که خوش‌نشینان، که البته چندان هم در ده خوش ننشسته‌اند و اگر اطلاق این عنوان برای فاقدین آب و زمین در ده درست باشد، همواره از ایزدهندگان خدمات اجتماعی، فنی، اقتصادی و تکامل دهندگان تکنولوژی سستی تولید روستایی و پشتیبان آن بوده‌اند.

### منشأ خوش‌نشینی در روستا

سیری در تاریخ حکومتها، مالکین و زارعین صاحب نسق در ایران نشان می‌دهد که خوش‌نشینان اکثراً از محروم‌ترین ساکنین دهات ایران هستند زیرا در جامعه‌ای که در گذشته آن ثروت و قدرت مهمترین ارزش اجتماعی دانسته شده فقر مایه مشقت است. در چنین جامعه‌ای خدمه فقیر روستایی که فاقد چنان ارزشی بوده و همواره نیز تحت کنترل گروههای یاد شده حتی فاقد انسجام و قدرت اجتماعی نگاه داشته می‌شده‌اند، آنجا می‌نشستند که صاحبان قدرت تعیین می‌کردند، که جایگاهی بس مظلومانه بود.

در رابطه با منشأ و محل ظهور آنان نیز باید گفت: خوش‌نشینان از بین طبقات مختلف اجتماعی ایران و تحت تأثیر شرایط ویژه جامعه برخاسته بودند. که می‌توان مهمترین شرایط پیدایش این طبقه را به ترتیب زیر بررسی کرد.

۱- ناپایداری طبیعت که همواره آبستن حوادث دردناک (قحطی، خشکسالی، سیل،



زلزله، ملخ خوارگی، سن زدگی و دیگر بلاهای طبیعی) بوده است.<sup>۲۶</sup>

۲- شرایط نامساعد اجتماعی، (هجومها، غارتگری‌ها، ناامنی‌ها، رباخوارگی لجام‌گسسته و مالیاتهای پرشماره و غارتگرانه) که در طول تاریخ پیوسته منجر به ورشکستگی دهقانان و دیگر طبقات مولد شهری و روستایی می‌شده<sup>۲۷</sup>، آنان را تبدیل به طبقه حیار(حیران و سرگردان) می‌کرده است.<sup>۲۸</sup>

۳- ناپایداری حق مالکیت در جامعه دهقانی و شهری و اختیارات بی‌حد و حصر حکام و مالکان در طول تاریخ<sup>۲۹</sup> که موجب می‌شد، فردی سرشرب واجب‌الحج و دم صبح واجب‌الذکوة گردد.

۴- فرار یا مهاجرت گروهی و فردی تحت تأثیر عوامل یادشده و دیگر عوامل از جمله درگیریهای قومی، یا ناامنی‌های منطقه‌ای.<sup>۳۰</sup>

۵- تبعید طوایف و توزیع آنان در مناطق مختلف.<sup>۳۱</sup>

۶- دافعه‌های روستایی در مناطق محروم‌تر و جاذبه‌های دیگر مناطق نزدیک‌به شهرهای بزرگ.<sup>۳۲</sup>

۷- علاوه بر این در مناطق دورافتاده و منزوی، واگذاری فرزندان در مقابل طلب طلبکاران

و یا شکار کودکان و نوجوانان و فروش آنان در مناطق دیگر را می‌توان از منشأهای دیگر پیدایش خوش‌نشینان روستایی نام برد.<sup>۳۳</sup>

بنابراین خوش‌نشینی و یا خدمه روستایی شدن، زایچه و یا خلقتی خاص نبوده است،

شودشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مقاله جامع علوم انسانی

26- Peter Beaumont, and other, *the Middle East*, John Wiley and Sons, London, 1976, pp. 39-40.

27- G. Browne, Edward, *A Year Amongst the persians* London, 1959, pp. 217-240.

۲۸- خسروی خسروی، سابق‌الذکر، صص ۸۰-۷۹-۲۸ و لمتون، همان، وقایع ادوار مختلف تاریخی، و انصافیور،

غلامرضا، سابق‌الذکر، ادوار مختلف . ۲۹- منابع فوق و دیگر منابع.

۳۰- خسروی، همان، صص ۸۰-۷۹-۲۸.

۳۱- لی اورتز، نظریات مهاجرت، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، نوید، شیراز، ۱۳۶۸، صص ۶۲-۶۱.

۳۲- لی اورتز، همان ص ۱۷. ۳۳- مطابع میدانی.

بلکه این عنوان در هر زمان و هر مکان بر سر راه همه کس اعم از شهری، روستایی، مالک و زارع و حتی حکام مقتدر قرار داشته است.

سختست پس از جاه تحکم بردن	خو کرده بناز، جور مردم بردن
وقتی افتاد فتنه‌ای در شام	هرکس از گوشه‌ای فرارفتند
پسران وزیر ناقص عقل	به گدایی به روستا رفتند
روستا زادگان دانشمند	به وزارت به بارگا رفتند <sup>۳۴</sup>

### نقش خوش‌نشینان در پشتیبانی تولید روستایی

بر اساس آنچه گذشت، خوش‌نشینان یا خدمه تولید روستایی بعضاً هنرمندان و افراد ممتاز جامعه خود بوده‌اند، بنابراین با دو خصیصه اصلی یکی تحرک مکانی و دیگری تحرک شغلی قادر بودند هم به جابجایی و تکامل فن آوری در منطقه خود و هم بر عهده گرفتن نقشهای مختلف در روستا بپردازند.

از طرف دیگر کارهایی را در ده انجام می‌دادند که زارعین و خرده مالکین تحت تأثیر درگیریهای شدید فصلی در امور تولید، فرصت انجام آن را نداشتند لذا یقیناً ابداع و حفر قنات، ساخت و تکامل ابزارهای<sup>۳۵</sup> مختلف زراعی و آثار هنری روستایی دست آورد این طبقه در جامعه ایران است. جدول شماره ۱ سهم خوش‌نشینان را در پشتیبانی تولید روستایی نشان می‌دهد.

۳۴- سعدی شیرازی، گلستان، باب هفتم، در تأثیر تربیت، به تصحیح محل علمی فردوسی، جاب سپهر، تهران ۱۳۴۲، ص ۱۶۰.

جدول شماره ۱: سهم خوش‌نشینان در پشتیبانی تولید روستایی<sup>۳۶</sup>

طبقات خدماتی	انواع
اجتماعی	حمایی، سلمانی، دستبانی، کارگری در مشاغل مختلف، پاک‌کاری، چوبانی (عمومی و خصوصی)، دروگری، خرمن‌کوبی، خدمت‌کاری منازل، عطاری، مکتب‌داری، دعاخوانی، قبالگی، حکیم‌باشی، تعمیرده‌خوانی، معرکه‌گیری، مرده‌شویی، قبرکنی، خوشه‌چینی، نانواپی، مباشری
فنی	آهن‌گری، نجاری، ابزارسازی، تعمیرکاری، مسگری، آسبانی، تهیه مصالح ساختمانی، سابی، منقش‌گری، خیاطی، صنایع دستی خانگی، ریسندگی، بافندگی، سنگ‌تراشی، رنگ‌رزی، برنجاری (جدا کردن دانه از کاه) هیزمشکنی، عصاره‌ری، شبیره‌ری، بینه‌دوزی و زیر مجموعه‌های آن، نعل‌بندی، بالان‌دوزی، نمدمالی، تخت‌کشی و روبه‌دوزی گیوه، پنجه‌چینی و پشم‌ریسی.
اقتصادی <sup>۳۷</sup>	خرده‌فروشی، پبله‌ووی، خرید و فروش محصولات، تهیه بذر و کود، ریخواری، صید و شکار، حمل و نقل، (برون و درون منطقه‌ای)، دام‌داری و دامپروری، برزگری (اکثره کاری بر وزن فتره)

۳۶- تنظیم جدول براساس مطالعات میدانی نگارنده.

۳۷- اکثر آنان همزمان چندپیشه بودند و در فصول مختلف ضمن چندپیشگی، شغل اصلی خود را تغییر می‌دادند.

نمونه اخیر آنکه عده‌ای در فصل زمستان هیزمشکنی و سوخت‌رسانی، بهار کارگری و ماهیگیری، تابستان برنجاری و پاییز کارگری می‌کردند.

انجام مشاغل یاد شده بوسیله خوش‌نشینان دارای چندین خصلت اساسی به ترتیب زیر بود:

۱- انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی و فنی ده که شمار آنها از ۵۰ نوع می‌گذرد، در گذشته معمولاً در مقابل دریافت مزد بصورت جنسی و از محصولات تولیدی در ده انجام می‌گرفت. در نتیجه مشکلات مربوط به تولید نه تنها گریبان زارع اصلی بلکه اکثر جامعه ده را می‌گرفت. به همین دلیل، در مناطق و سالهای مواجه با مشکل، همه جامعه به نسبتی مشخص از آن صدمه می‌دیدند.

۲- قبل از این روستا منطقه‌ای پر جمعیت را تشکیل می‌داد به همین دلیل تنوع مشاغل در آن بیش از امروز بود و خوش‌نشینان در مجموعه بلوک (منطقه روستایی) پوشش خدماتی ایجاد می‌کردند و تعداد زیاد جمعیت یک بلوک (روستا) خدمات زیاد و متنوعی را طلب می‌کرد. در آن روز بعضی از خوش‌نشینان از جمله، آهنگر، مسگر، نجار یا مقنی یا سنگ‌تراش و مشاغل مشابه در شعاع منطقه‌ای آرایه خدمت می‌نمودند<sup>۳۸</sup> و چون محدودیت مصرف در مناطق روستایی بیش از امروز بود، برای خدمات خوش‌نشینان نیز محدودیت تقاضا وجود داشت، لذا آنان معمولاً فقیرتر از زارعین بودند.

۳- از نظر اقتصادی و اجتماعی همه خوش‌نشینان در یک سطح قرار نداشتند، اما آنان عموماً از نظر اجتماعی (بجز در موارد نادر) فروتر از زارعین صاحب نسق نگهداشته می‌شدند. زیرا صاحبان نسق و مالکین، همواره فرمان برداری و به نوعی بیگاری را از آنان توقع داشتند. به این دلیل پیوسته به تحقیر، سرکوب و عدم انسجام در بین آنان مبادرت می‌کردند. نگارنده خود شاهد ماجراهای غم‌انگیزی در این مورد بوده است.

۵- آنان تحت تأثیر ناپایداری شغلی خود، می‌کوشیدند حرفه‌آموزی را در بین فرزندان خود رواج دهند و برای نیل به این هدف جابجایی مکانی زیادتری از زارعین پرمشغله داشتند و هنگام بازگشت به ده خود، آثاری از فرهنگ جامعه جدید را به همراه می‌آوردند که برای

ساکنین کم‌تحرک ده بسادگی قابل باور نبوده و متأسفانه بعضی از محققین بروز آن آثار را به گردن‌کشی و شهرزدگی کاذب آنان تعبیر کرده‌اند.<sup>۳۹</sup>

۶- از آنجا که این گروه دارای منشأها و نقش‌های متفاوتی در ده بودند، در مسائل ده حساسیتهای متفاوتی ابراز می‌داشتند، که این تفاوت حساسیت را متأسفانه بعضاً به بی‌توجهی آنان در امور اجتماعی تعبیر کرده‌اند.<sup>۴۰</sup> در صورتی که براساس عرف جامعه ده، (هرکس به نسبت انتظار نفع باید در امور مختلف مشارکت داشته باشد). لذا آنان که دارای مسکن و اموالی در ده بودند هزینه‌های مربوط به تأسیسات اجتماعی (حمام، سیل بند، مکتب‌خانه و ...) را به صورت‌های سرانه و یا بر اساس تصمیم عموم پذیرا بودند، حتی به دلیل موقعیت اجتماعی خود در پرداختها تعلل نمی‌کردند. در مواقع دفاع از ده نیز در صف مقدم قرار داده می‌شدند. بنابراین خدمه ده (خوش‌نشینان) هر یک به نوعی درگیر در امور ده بودند.

۷- خوش‌نشینان معمولاً چندپیشه و قادر بودند تمام شاخه‌های یک رشته شغلی را بطور پیوسته انجام بدهند. مثلاً یک فرد خوش‌نشین که شغل اول او لحاف‌دوزی بود، از پنبه‌کاری، پنبه‌چینی، پنبه‌پاک‌کنی، پنبه‌ریسی، کرباس‌بافی و لحاف‌دوزی، همه را انجام می‌داد و یا چوپان همه امور مربوط حتی مرتع‌داری و احیاء آن، به نژادی و مداوای دام را می‌دانست.

### تحول در نقش خوش‌نشینان

گو اینکه تعداد خوش‌نشینان، تحت تأثیر عوامل مؤثر در منشأ پیدایش آنان، پیوسته کم و زیاد می‌شد. (۲۰ درصد کل خانوار روستایی، سال ۱۳۵۵<sup>۴۱</sup>) اما خودکفایی فنی و خدماتی مناطق روستایی را همواره به تمامی تأمین می‌کرده‌اند.

پس از انجام مراحل اصطلاحات ارضی و قطع امید از اعطای زمین به آنان، همراه با پیدایش تحولات جدید در تکنولوژی زراعی، رکود بازار فراورده‌های کشاورزی، دگرگونی در

۳۹- ودیعی، همان منبع، ص ۲۰۹. ۴۰- ودیعی، همان منبع، ص ۲۱۰.

۴۱- خسرو خسروی، جامعه دهقانی در ایران، همان منبع، ص ۷۹.

شیوه معیشت به سمت نقدینگی و بروز عدم توازن دخل و خرج در مناطق روستایی همراه با گسترش و جاذبه‌های فریبنده شهرهای بزرگ<sup>۴۲</sup>، همزمان با بی‌اعتبار شدن مشاغل سنتی و نیاز به خدمات جدید که یا آنان از عهده بر نمی‌آمدند (تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات کشاورزی، ساختن ابزار جدید، تهیه سموم دفع آفات و انجام خدمات بهداشتی درمانی و ...) و یا ممکن بود با کسب آموزش مناسب بتوانند آنها را عهده‌دار شوند، اما نه برای ده‌نشینان و نه برای آنان صرفه‌ای نداشت روستا را ترک گفتند.

صنایع دستی و تبدیلی (تهیه مصالح ساختمانی سنتی، تهیه ظروف سفالین، مسگری، شیرپزی و ...) نیز تحت تأثیر تحول تکنولوژیکی، یا اینکه به کلی به شهرها انتقال یافت و یا به خاطر سرمایه‌بر بودن و نیاز به تخصص از توان آنان خارج بود.

مغازه‌های تعاونی (باهمه مشخصات آنها) جای خدمات پیمه‌وران و خرده‌فروشان خوش‌نشین را گرفت. بانک کشاورزی، صندوق تعاون و صندوق قرض‌الحسنه (پس از انقلاب) رباخواران و سلف‌خرها را از میدان به در کرد.

آزادیهای اجتماعی حاصل از انقلاب اسلامی موجب شد تا خوش‌نشینان بیش از این تحمل تحقیر و جدامانگی از جامعه خرده‌مالک و زارع ده را ضروری ندانند.

شهرهای به شدت در حال شکوفایی نیز بخاطر نیروی کار ارزان به روی آنان آغوش گشود. لذا خوش‌نشینان اولین گروههای مهاجر دستجمعی ده را تشکیل دادند و متعاقب آنان نرزدان زارعین نیز که بازوی اصلی تولید یعنی خدمات پشتیبانی آن را از دست داده بودند کم‌کم دست از کار کشاورزی کشیده در شهرها به آنان پیوستند.

#### متخصصین و پشتیبانی تولید روستایی

طبیعی است که امروزه تولید و خدمات پشتیبانی آن، به شیوه سنتی قادر نخواهد بود تا در

صحنه رقابت علمی و فنی پایداری نماید. این واقعیت از اصلاحات ارضی رژیم گذشته تاکنون در نظر برنامه‌ریزان ما قرار داشته است، به همین دلیل از حدود ۴۰ سال قبل پیوسته تلاش در جهت علمی و صنعتی کردن تولید روستایی تعقیب می‌شده است. اما گویا در انجام آن شتابزدگی و ذهن باوری تأثیر خاصی داشته، به گونه‌ای که قادر نبوده است تا بنیانهای چند هزار ساله در هم ریخته شده را در چند و یا چندین سال جایگزین گردد. به همین دلیل جامعه روستایی را بدون تعیین جایگزین مناسب برای نهادهای درهم ریخته شده آن تا حدی متلاشی کرده است.<sup>۴۳</sup>

برای ایجاد تحول و جانشین کردن نهادهای سنتی، در چند دهه گذشته دولتها به اعزام متخصصین رشته‌های مختلف علمی، همراه با ابزارهای جدید تحت نامهای مختلف، و به عنوان مأموران دولتی، بطور دائم‌التزاید به سمت ده اقدام کرده‌اند. و الحق آنان هم از نظر تعداد و هم از حیث تنوع تخصصی پرشماره‌اند هر چند طی ۴۰ سال گذشته توانسته‌اند تحولات زیادی در بخش روستایی انجام دهند، اما تا خودکفایی روستایی فاصله زیادی باقی مانده زیرا نتوانسته‌اند جای خالی خوش‌نشینان روستا را در پشتیبانی کامل از تولید پرکنند. شاید بتوان علت را در طبیعت دوگانه آنان با پشتیبانان سنتی تولید و رابطه متفاوتی که با زارعین دارند جستجو کرد. جدول شماره ۲ پاره‌ای از تفاوت‌های بین پشتیبانان جدید تولید روستایی را با خوش‌نشینان سابق نشان می‌دهد.

## جدول شماره ۲: مقایسه بعضی از خصوصیات پشתיانان جدید و سنتی تولید روستایی

ردیف	ویژگیها	پشתיانان جدید	پشתיانان سنتی
۱	خصوصیات فردی	متخصص و بعضاً کم تجربه	ماهر، مجرب و مستقیم
۲	نوع وظایف	تئوریک و کاربردی	اصولاً کاربردی
۳	محل سکونت	اصولاً خارج از ده	ساکن دائمی ده
۴	مسئولیت در مقابل	نظام سلسله مراتبی	کارفرمای محلی
۵	کارفرما	اداره دولتی خارج از ده	ساکنین ده
۶	رابطه با کارفرما	بروکراتیک	چهره به چهره
۷	نوع دستمزد	نقد از بیرون	بخشی از تولید
۸	پاسخگویی به	اداره متبوع	جامعه ده
۹	نظارت	اداره متبوع	مردم ده
۱۰	رابطه با تولیدکنندگان	عمودی	افقی
۱۱	ارزشیابی توسط	اداره متبوع	کارفرمای محلی
۱۲	رابطه با تولید	اصولاً ندارد	مستقیم
۱۳	تعیین اولویت اجرا	اداره متبوع	کارفرمای محلی
۱۴	مکافات	نسبی	قطعی

تنظیم: نگارنده، بر اساس مطالعات میدانی

از مقایسه ویژگیهای دو جامعه جدید و قدیم پشתיانی تولید روستایی چنین بر می آید که آن دو با مجموعه خصایص متفاوت، با تولیدکنندگان در ارتباط هستند. زیرا یکی از الگوی مکانیکی مدیریت و دیگری از نوع ارگانیکی آن پیروی می کند. با توجه به تحولات موجود و مورد انتظار آینده تولید در این بخش، به نظر می رسد الگوی سومی (ارگانومکانیکی) خواهد توانست پشתיانی در تعمیم دانش و فن مورد نیاز آینده روستایی به انجام برساند و قادر باشد پیروندی درخور، بین پشתיانی دهندگان و پشתיانی گیرندگان تولید این بخش ایجاد نماید<sup>۴۴</sup>.

۴۴- طریق انجام این پیوند در درسنامه برنامه ریزی روستایی ایران، مرکز آموزش عالی جهاد سازندگی، اصفهان،



## نتیجه و پیشنهاد

روستانشینان ایران، در طول تاریخ گذشته خود به تجربه دریافته بودند که در راه رسیدن به هدف مدیریت مورد نیاز بر منابع طبیعی و انسانی محیط نیازمند ایجاد نظامی هستند تا تقسیم کار مناسبی جهت ادامه حیات آنان بوجود آورد. زیرا زیست در محیط ده و منطقه روستایی مستلزم تولید، پشتیبانی تولید (خدمه) و ارتباط مناسب با مناطق بیرونی است و طبعاً زارعین به تنهایی قادر نیستند همزمان هر سه بخش را خود به انجام برسانند. لذا بخش تولید زراعی و دامی را صاحبان نسق برعهده گرفتند. نظام پشتیبانی و خدمات مورد نیاز را به گروهی که فاقد آب و زمین در ده بودند (خوش‌نشینان) و ارتباط بیرونی را به نخبگان هر دو گروه، واگذار کردند. و این نظام تا اصلاحات ارضی (حدود چهار دهه پیش) همچنان ادامه یافت و تمدنی به نام تمدن روستایی را در این کشور به تکامل رساند. اما طی انجام مراحل اصلاحات ارضی و پس از آن شیرازه امور روستایی از هم گسیخت. علی‌الخصوص تعاریف و مفاهیم مربوط به امور اقتصادی و اجتماعی ده محتوای خود را از دست داد و بعضاً تحریف نیز شد. تا جائیکه جایگزینی نهادهای مختلف که طی اعصار و قرون به تکامل رسیده بود، بصورت انفعالی انجام گرفت. در نتیجه روز به روز از حجم تولید و شمار سکنه و سکونتگاههای روستایی کشور کاسته شد. به نظر می‌رسد، در راستای سامان دادن به نظام اجتماعی و اقتصادی بخش روستایی کشور، شناخت درست مفاهیم، جامعه، اقشار اجتماعی، افراد و نقشها و روند تکامل تاریخی آنها در قالب منطقه‌ای و قومی، قدم اول بازگشایی پیچیدگیهای جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا و جامعه روستایی خواهد بود؛ تا بتوان در جهت اقدام به توسعه همه جانبه آن زمینه پیوند مناسب بین دانش و تکنولوژی جدید را با جامعه سنتی روستایی فراهم نمود.